

examine the place of IPC contracts in the general policies of the resistance economy,

Abstract

The present article seeks to "examine the place of IPC contracts in the general policies of the resistance economy, the oil law, and the rules of development programs." From this perspective, after expanding the conceptual space of the issue, it will examine the position of oil contracts, especially IPC. According to the thematic documents presented in this research, the research method is descriptive-analytical and the data collection method in this research is a library. The case of investment in the oil industry has changed so that the law of the Third Development Plan and the law of encouragement and protection of foreign investors and the law of the fourth development plan explicitly allow the use of the method of participation in the oil industry in the form of IPC contracts. Second, special laws, such as the Oil Law of ۱۳۳۶, recognized the production sharing agreement, and the NOC had broad powers in the field of oil operations. This law allowed the conclusion of any contract, but according to other laws, the model of participation in production as an agency was considered by the legislator.

Keywords: oil, oil contracts, IPC, oil law, resistance economy, development plans

بررسی جایگاه قراردادهای IPC در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، قانون نفت و قوانین برنامه های توسعه

سید علی نوری^۱حسین جوان آراسته^۲محمد تقی دشتی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

چکیده

مقاله حاضر درصدد بررسی جایگاه قراردادهای IPC در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، قانون نفت و قوانین برنامه های توسعه است. از این منظر پس از بسط فضای مفهومی موضوع، به بررسی جایگاه قراردادهای نفتی بخصوص IPC خواهد پرداخت. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این پژوهش، روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای می‌باشد یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که اولاً، در سال‌های اخیر به طور کلی رویکرد قانونگذار در مورد سرمایه گذاری در صنعت نفت تغییر کرده است به طوری که در قانون برنامه ی سوم توسعه و قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاران خارجی و قانون برنامه ی چهارم توسعه به صراحت استفاده از روش مشارکت در صنعت نفت در قالب قراردادهای IPC مجاز اعلام گردیده است و ثانیاً، در قوانین خاص از جمله قانون نفت مصوب ۱۳۳۶ قرارداد مشارکت در تولید را به رسمیت شناخت و شرکت ملی نفت از اختیارات وسیعی در زمینه عملیات نفتی برخوردار شد. این قانون انعقاد هرگونه قرارداد را مجاز شمرده، اما با توجه به سایر قوانین، الگوی مشارکت در تولید به صورت عاملیت مورد توجه قانونگذار بود است.

کلیدواژه‌ها: نفت، قراردادهای نفتی، IPC، قانون نفت، اقتصاد مقاومتی، برنامه‌های توسعه

مقدمه

درحالی که سرمایه گذاری در پروژه های زیربنایی و ملی یک نیاز مبرم برای کشورهای درحال توسعه است، دولتها قادر نیستند سرمایه لازم برای این دسته از پروژه ها را تأمین کنند. لذا یکی از ایده های نو در کشورهای درحال توسعه انجام پروژه به صورت مشارکتی توسط شرکت های پیمانکاری داخلی و خارجی است که معمولاً حضور شریک خارجی در این مشارکتها موجب جذب سرمایه گذاران و تأمین کنندگان مالی پروژه می شود. در واقع این روش به بخش خصوصی امکان می دهد تا در پروژه های زیربنایی و ملی مشارکت کند. درهرکشوری باتوجه به محدودیت های قانونی، سیاسی و اقتصادی شیوه ی خاصی در جلب سرمایه گذاری خارجی انتخاب می گردد. این قرارداد که مدل قراردادهای ایرانی است و تاکنون همانند آن در هیچ کشور نفتی دیده نشده به اختصارای پی سی (IPC) نامگذاری شد که مخفف (IRAN petroleum contract) به معنای مدل قراردادهای نفتی ایرانی است. مدل جدید با حفظ منافع ملی درصدد جذب سرمایه گذار خارجی و مهم تر از آن جذب دانش و فناوری، ایجاد اشتغال و صیانت از منافع ملی در کنار در نظر گرفتن فاکتور برد-برد است. مهم ترین ویژگی این نظام جدید مالی، در نظر گرفتن پاداش برای مجری طرح به ازای تولید هر بشکه به شمار می رود؛ این ویژگی جدید شباهت بسیاری به نظام مالی قراردادهای نفتی و گازی عراق دارد که جذابیت های بسیاری را برای سرمایه گذاری در این صنعت به همراه خواهد داشت و شرکت های بین المللی را به سرمایه گذاری بیشتر در ایران ترغیب خواهد نمود. (Fard, and Fazel , 2017: 2-5) که با توجه به جدید بودن این قراردادها حساسیت خاصی از سوی قانونگذار در ایران نسبت به آنها شکل گرفته است موضوعی که در این مقاله تلاش می شود تا جایگاه این قراردادها در سه قانون «اقتصاد مقاومتی، قانون نفت و قانون توسعه» بررسی گردد.

احمدی، (۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان: «وضعیت حقوقی راهبر در قراردادهای مشارکت انتفاعی بین المللی» ضمن تبیین مقررات حاکم بر نهاد حقوقی اقتصادی مشارکت انتفاعی، در دو نوع شرکتی و قراردادی بر وضعیت حقوقی راهبر در اینگونه نهاد تاکید و ویژگی های قراردادهای مشارکت انتفاعی مورد بررسی قرار می دهد.

درحالی که سرمایه گذاری در پروژه های زیربنایی و ملی یک نیاز مبرم برای کشورهای درحال توسعه است، دولتها قادر نیستند سرمایه لازم برای این دسته از پروژه ها را تأمین کنند. لذا یکی از ایده های نو در کشورهای درحال توسعه انجام پروژه به صورت مشارکتی توسط شرکت های پیمانکاری داخلی و خارجی است که معمولاً حضور شریک خارجی در این مشارکتها موجب جذب سرمایه گذاران و تأمین کنندگان مالی پروژه می شود. در واقع این روش به بخش خصوصی امکان می دهد تا در پروژه های زیربنایی و ملی مشارکت کند. درهرکشوری باتوجه به محدودیت های قانونی، سیاسی و اقتصادی شیوه ی خاصی در جلب سرمایه گذاری خارجی انتخاب می گردد. این قرارداد که مدل قراردادهای ایرانی است و تاکنون همانند آن در هیچ کشور نفتی دیده نشده به اختصارای پی سی (IPC) نامگذاری شد که مخفف (IRAN petroleum contract) به

معنای مدل قراردادهای نفتی ایرانی است. مدل جدید با حفظ منافع ملی درصدد جذب سرمایه‌گذار خارجی و مهم تر از آن جذب دانش و فناوری، ایجاد اشتغال و صیانت از منافع ملی در کنار در نظر گرفتن فاکتور برد-برد است. مهم‌ترین ویژگی این نظام جدید مالی، در نظر گرفتن پاداش برای مجری طرح به ازای تولید هر بشکه به‌شمار می‌رود؛ این ویژگی جدید شباهت بسیاری به نظام مالی قراردادهای نفتی و گازی عراق دارد که جذابیت‌های بسیاری را برای سرمایه‌گذاری در این صنعت به‌همراه خواهد داشت و شرکت‌های بین‌المللی را به سرمایه‌گذاری بیشتر در ایران ترغیب خواهد نمود. (Fard, and Fazel, 2017: 2-5) که با توجه به جدید بودن این قراردادها حساسیت خاصی از سوی قانونگذار در ایران نسبت به آنها شکل گرفته است موضوعی که در این مقاله تلاش می‌شود تا جایگاه این قراردادها در سه قانون «اقتصاد مقاومتی، قانون نفت و قانون توسعه» بررسی گردد.

احمدی، (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان: «وضعیت حقوقی راهبر در قراردادهای مشارکت انتفاعی بین‌المللی» ضمن تبیین مقررات حاکم بر نهاد حقوقی اقتصادی مشارکت انتفاعی، در دو نوع شرکتی و قراردادی بر وضعیت حقوقی راهبر در اینگونه نهاد تاکید و ویژگی‌های قراردادهای مشارکت انتفاعی مورد بررسی قرار می‌دهد.

یافته‌ها

در این قسمت به بررسی جایگاه قراردادهای نفتی (IPC) در سه قانون اقتصاد مقاومتی، توسعه و نفت پرداخته می‌شود.

الف-سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

هما نگونه که مقام معظم رهبری در سخنرانی ۱۴ خرداد ۱۳۹۵ در حرم امام خمینی(ره) مطرح کردند، باید جایگاه همه تصمیم‌های اقتصادی از جمله قراردادهای صنعتی و بازرگانی و سرمایه‌گذاری خارجی در ماتریس اقتصاد مقاومتی روشن باشد بنابراین انعقاد قراردادهای جدید نفتی که ابعاد مختلف فنی، اقتصادی و حقوقی دارد و شئون مختلف حکومت را تحت تأثیر قرار میدهد، ضروری است تا در چارچوب اقتصاد مقاومتی مورد تدقیق و بررسی قرار گیرد. در نتیجه این بررسی روشن خواهد شد برآیند فرصت‌ها و تهدیدهای حاصل از این قرارداد در چه مواردی کشور را در مسیر دستیابی به اقتصاد مقاومتی پشتیبانی میکند. مهم‌ترین شاخص‌هایی که می‌توان با استفاده از سیاست‌های کلی ابلاغی اقتصاد مقاومتی برای ارزیابی قراردادهای نفتی ایران استخراج کرد عبارت‌اند از:

۱- تکمیل زنجیره ارزش (بند ۱۵ سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی)

۲- حداکثر استفاده از ظرفیت و توانمندی داخلی (بندهای ۶ و ۱۰)

۳- توان افزایشی شرکت ملی نفت (بندهای ۲ و ۶)

۴- تحریم ناپذیری قراردادهای نفتی (بندهای ۶ و ۱۱)

۵- تولید صیانتی از میدانی نفتی (بند ۱۴)

۶- انتقال دانش و فناوری (بند ۲)

۷- تأمین مالی منابع خارجی (بندهای ۱۰ و ۱۱)

برخی از مهم ترین اهداف طراحی قرارداد جدید به شرح زیر است:

- ۱- اکتشاف میدان های جدید (همراه با توسعه آن) در تمامی نقاط اعم از مناطق کم ریسک و پر ریسک
 - ۲- توسعه میدان های کشف شده با بهترین روش های جهانی و کمترین هزینه ممکن و حداکثر میزان کارایی و بالاترین میزان بازیافت با دید بلندمدت و در نظر گرفتن کل سیکل عمر مخزن؛
 - ۳- حفظ ظرفیت تولید و افزایش میزان بازیافت با سرمایه گذاری و بهره برداری از میدان های مکشوفه توسعه نیافته یا میدان های در حال تولید؛
 - ۴- رسیدن به حداکثر میزان کارایی در میدان های در حال تولید با ایجاد ارتباط میان دستمزد (فی) و سطح تولید در قرارداد؛
 - ۵- مهم ترین وجوه تمایز قراردادهای جدید نفتی با قراردادهای بیع متقابل، حضور پیمانکار در دوره بهره برداری و بلندمدت بودن طول دوره قرارداد است. این مسئله در مقایسه با قراردادهای بیع متقابل باعث ایجاد انگیزه بیشتر برای پیمانکار به منظور حداکثر کردن تولید انباشتی و نیز تولید صیانتی از میدان می شود.
 - ۶- حضور یک شرکت توانمند ایرانی در کنار یک شرکت بین المللی نفتی در کل دوره اکتشاف تا بهره برداری از موارد دیگر نوآوری این قراردادهاست.
- بر اساس نتایج تحقیقات مستقلی که در این باره صورت گرفته است، قراردادهای نفتی ایران در شاخص های تأمین مالی خارجی، تولید صیانتی، انتقال دانش و فناوری و استفاده از حداکثر ظرفیت داخلی در مقایسه با قراردادهای بیع متقابل بهبود داشته است، اما درباره شاخص های تکمیل زنجیره ارزش و توان افزایی شرکت ملی نفت و تحریم ناپذیری دچار عقب گرد شده است

عنوان معیار	راستای اقتصاد مقاومتی معیار	وضعیت معیار در IPC برای کشور (نقطه قوت/نقطه ضعف)	تطابق با اقتصاد مقاومت یکم/متوسط/زیاد
تکمیل زنجیره ارزش	بند ۱۵	تعیین تکلیف نشدن گازهای همراه نفت بلا تکلیفی گازهای میدان های مستقل	کم
کارگیری حداکثر ظرفیت ها و توان داخلی	بند ۶ و بند ۱۰	حضور شرکت داخلی در کنار شرکت خارجفقدان سقف در قرارداد ریسک بالای ظرفیت داخلی با نبود بیمه معتبر	متوسط

توان افزایشی شرکت ملی نفت	بند ۶ و بند ۲	بهبود نسبی در حوزه قانون گذاری، مالیدم حضور در دوره بهره برداری و مدیریت میدان	کم
تحریم ناپذیری	بند ۱۲ و ۱۳	ایجاد تعهدات بلندمدت در صورت تحریم امکان مدیریت کاهش تولید از سایر میدانها	کم
تأمین منابع مالی خارجی	بند ۱۰ و ۱۱	انعطاف پذیری مناسب توزیع ریسک نسبتاً منصفانه	زیاد
تولید صیانتی	بند ۱۴	حضور بلندمدت طرف خارجی در میدان لحاظ پاداش اضافی برای عملیات ازدیاد برداشت نااطمینانی های بالای ازدیاد برداشت معرفی نشدن میدان های مناسب	متوسط
لنتقال دلنش و فناوری	بند ۲	حضور بلندمدت طرف خارجی همکاری شرکت داخلی با طرف خارجی فقدان ارتباط پاداش IOC با انتقال تکنولوژی	متوسط

ب- در قانون نفت

قانون نفت ۱۳۳۶ ایران علاوه بر نحوه ی قرارداد عاملیت، طرح نوین دیگری رابه عنوان قرارداد مشارکت تجویز کرد. در این قانون دو مدل از مشارکت پیش بینی شده بود: اول این که شرکت ملی نفت ایران و شرکت خارجی، یک شرکت ثالث ایرانی به وجود آوردند و ناحیه ی معینی در اختیار آن شرکت ثالث گذاشته شود و آن شرکت عملیات نفتی را از اول تا آخر (یعنی از اکتشاف و تولید تا صادرات و فروش) انجام دهد و از درآمدی که به دست می آورد مالیات بپردازد و سود سهام به نسبت در میان طرفین تقسیم گردد. مطابق مدل دوم رابطه حقوقی بین طرفین دو چهره متمایز داشت: چهره ای به عنوان دستگاه مختلط^۱ که به صورت شخصیت حقوقی جداگانه ای در نمی آمد و چهره ای که به صورت یک شخصیت حقوقی مستقل جلوه گر می شد. مطابق طرح قانون نفت ایران، ناحیه ی عملیات به دست این دستگاه مختلط سپرده می شد، اما تصدی عملیات را یک شرکت ایرانی برعهده می گرفت.

با وصف منسوخ شدن قانون نفت مصوب هشتم مردادماه ۱۳۵۳ و فقدان تصریح به هر نوع ممنوعیتی راجع به این موضوع در قانون نفت اصلاحی بیست و دوم خردادماه ۱۳۹۰، بدین ترتیب هم اکنون واگذاری کلیه حلقه های زنجیره تولید از میدان نفتی اعم از اکتشاف (Exploration)، توسعه (Development) و بهره برداری (Production) به موجب یک قرارداد فاقد ممنوعیت قانونی است.

^۱ . joint structure

۲- قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه (۱۳۷۴ الی ۱۳۷۸) که از لحاظ حوزه حضور، درون نسلی به شمار می آمد، تنها به توسعه پایدار در بخش کشاورزی بسنده کرد و در چهار محور خلاصه گردید: تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی، توسعه پایدار در بخش کشاورزی، توسعه صادرات غیرنفتی و تقویت بنیه دفاعی کشور. در بند "و" تبصره (۲۲) و بند "پ" ۳- تبصره (۲۵) قانون مزبور آمده است: به منظور اجرای طرحهای زیربنایی توسعه ای و افزایش ظرفیت تولیدی و صادراتی کشور در محدوده طرحهای مصوب، به شرکتهای دولتی اجازه انعقاد قرارداد بیع متقابل اعطا شد و همچنین شرکت های بیمه و بانکها موظف به صدور ضمانت نامه های لازم جهت طرف خارجی پس از اخذ تضمین کافی از ایشان شده اند. در صورت عدم پرداخت معادل ریالی اقساط سررسیده شده با توجه به آنکه این قراردادها در حکم اسناد لازم الاجرا هستند، امکان برداشت از حسابهای بانکی طرف مقابل امکان پذیر است.

۳- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که از نظر حوزه حضور همانند برنامه دوم، درون نسلی محسوب می گردد بر محوریت اصلاح سازمانی کشور قرار داشت و یکی از جهت گیری های اصلی در بودجه سالهای متناظر آن (۱۳۷۹ الی ۱۳۸۳)، تجهیز منابع درآمدی دولت به منظور دستیابی به هدف اقتصاد بدون نفت تعیین شده بود که متأسفانه نه تنها در طی این برنامه از سهم درآمدهای نفتی دولت در اقتصاد کشور کاسته نشد بلکه این سهم رشد قابل توجهی هم پیدا کرد. بخش نفت و گاز چهار ماده را در برنامه سوم توسعه به خود اختصاص داده است که مواد (۸۵) و (۱۱۸) الی ۲۰ به بیان حکم می پردازد. بر اساس بندهای "ج"، "د"، "ه"، "و" و "ز" ماده (۸۵) قانون مزبور، بانک مرکزی مجاز به هیچ گونه تعهد و تضمینی بابت بازپرداخت تسهیلات بیع متقابل نیست. کلیه پرداختها اعم از بازپرداختها و هزینه های مربوطه باید از محل صدور محصولات مؤید همان طرحها صورت گیرد. در ماده (۱۱۸) قانون مزبور وزارت نفت مکلف است تولید نفت خام و گاز طبیعی را به ترتیب یک میلیون بشکه و ۲۵۰ متر مکعب در روز افزایش دهد و الویت تولید از میادین مشترک است و به دولت اجازه داده می شود جهت دستیابی به اهداف فوق، اقدام به انعقاد قرارداد با شرکت های خارجی نماید. در ماده (۱۱۹) همین قانون، دولت به وزارت نفت اجازه داده است که نسبت به انعقاد قراردادهای بیع متقابل نسل جدید برای اکتشاف و توسعه میادین جدید در نواحی مرکزی کشور اقدام می کند و بالاخره ماده ۱۲۰ همه درآمد حاصل از صادرات فرآورده های نفتی، گاز و میعانات گازی به شرکت نفت داده شد تا در مقابل به تأمین نیازهای داخلی به فرآورده و حفظ و توسعه سطح فعلی تولید نفت خام و اجرای برنامه تولید صیانتی از مخازن نفت متعهد گردد. (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۸۸-۱۳۸۹)

نتیجه‌گیری

امروزه صنعت نفت تبدیل به یک اقتصاد بین‌المللی و تجاری شده است و در کانون توجه قرار گرفته است و هر کشور صاحب این نعمت خدادادی کوشش می‌کند تا با انعقاد قراردادهای مناسب حداکثر استفاده از پتانسیل‌های اقتصادی آن داشته باشد چرا که شرکتهای نفتی بین‌المللی اصولاً تمایل به سرمایه‌گذاری در کشورهای دارند که ترتیبات قانونی آن کشور شرایط را برای ایجاد قرارداد با مطلوبیت اقتصادی بهتر فراهم نماید. از طرفی کشورهای دارای ذخایر نفت و گاز تمایل دارند حاکمیت و قوانین خود را بر قراردادهای نفتی و پیمانکاران اجرایی تحمیل کنند این مسئله سبب شد تا وزارت نفت در ایران ضمن تجدید نظر در قراردادهای خود نوع جدیدی از قراردادها با نام IPC منعقد نماید با توجه به اینکه قرارداد IPC در تولید می‌تواند جذابیت‌های خاصی در صنعت نفت جهان برای شرکت‌های بزرگ ایجاد کند، اما در صنعت نفت ایران هنوز جایگاه واقعی خود را به دلیل موانع قانونی به دست نیاورده است این مسئله در سه قانون «اقتصادی مقاومتی، توسعه و نفت» نیز کامل مشهود است علیرغم عدم مخالفت قوانین فوق اما قراردادهای IPC تا اکنون نتوانسته اند جایگاه مناسبی را بدست آورند چرا که مطالعات انجام شده نشان می‌دهد ایران جزو کشورهای هست که قانون جامع سرمایه‌گذاری و نیز قانون خاصی در زمینه جذب سرمایه‌گذاری در بخش صنایع بخصوص صنایع بالا دستی ندارد، که مختص مسائل این صنعت باشد. لذا سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز در ایران تابع قانون کلی سرمایه‌گذاری می‌باشد. این در حالی است که بسیاری از کشورها از جمله چین علاوه بر قانون کلی جذب سرمایه به وضع قوانین خاصی از جمله قانون جذب سرمایه‌گذاری اقدام نموده اند. علارغم مزایا و تشویق‌های متعددی که در قوانین ایران وجود دارد اما با تمام این تفاسیر، روند تاریخی و دگرگونی ابعاد متفاوت فرهنگی و نگرشی مردم لزوم توجه به ابعاد جدیدتری در قوانین و مقررات جذب سرمایه‌گذاری، به ویژه سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز و سرمایه‌گذاران خارجی در این خصوص، بسیار لازم و ضروری می‌باشد، چرا که از یک طرف سرمایه‌گذار نیازمند امنیت، حمایت قانونی از سرمایه خود است. و از طرفی دیگر، دستیابی به توسعه پایدار در زمینه بهره‌گیری از این نعمت خدادادی نیازمند توجه به تمام ابعاد این مقوله است. آنچه که امروز در کشور ایران و (با وجود غنای فرهنگی و تنوع گسترده طبیعی)، منجر به عقب ماندن از رقابت جهانی در عرصه جذب سرمایه‌گذاری خارجی شده است، چیزی جز عدم تغییر نگرش به مسائل روز جهانی در این دو حوزه نیست. برای موفقیت این صنعت در عرصه جهانی، توجه به خواست سرمایه‌گذار و تأمین حقوقی او امری ضروری است. در این زمینه معیار قرار دادن قوانین و مقررات بین‌المللی، حقوق بشر، کنوانسیون‌ها و نظایر اینها می‌تواند بستری مناسب برای بهبود جذب سرمایه‌گذاری

در کشور شود. با تدوین ضوابط و قوانین اخلاقی سرمایه‌گذاری در سطح ملی و متناسب با ابعاد فرهنگی و محیطی، می‌توان علاوه بر اینکه شرایط لازم را جهت حفظ این صنعت فراهم می‌آورد محدودیت‌های بی‌مورد برای جذب سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری در این حوزه را از بین خواهد برد. آنچه که در بررسی این پایان‌نامه به آن رسیدیم این است که بیش از آنکه قراردادهای بین‌المللی سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران ایراد داشته باشند خود ساختار حقوقی و قوانین سرمایه‌گذاری ایران دچار مشکل می‌باشند این مشکلات ساختاری حقوقی ایران نظام حقوقی قراردادهای نفتی را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است لذا قبل از بررسی نظام حقوقی سرمایه‌گذاری قراردادهای صنایع بالادستی لازم است خود راهکارهایی در جهت بهبود قوانین جذب سرمایه‌گذاری اتخاذ گردد.

منابع فارسی

- دوپویی، رنه ژان، (۱۳۷۹) یک رأی داوری و دو نقد، مرتضی کلاتریان، نشر آگه، تهران.
- حاتمی، علی، کریمیان، اسماغیل، (۱۳۹۳)، حقوق سرمایه گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه گذاری، انتشارات تیسرا، چاپ اول.
- وب سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، <http://rc.majlis.ir>.
- از وب سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، <http://rc.majlis.ir>.
- مرکز پژوهش های مجلس، مسلسل: ۱۰۲۹۹، تیرماه ۱۳۸۹ و شماره مسلسل: ۹۸۹۴، مهرماه ۱۳۸۸.
- مرکز پژوهش های مجلس، شماره مسلسل: ۱۲۵۷۴، شهریور ۱۳۹۱، ص ۱۷.

منابع انگلیسی

- Rahman M (2004). Oil and Gas: The Engine of the World's Economy. Presentation as OPEC Secretary General at the Tenth International Financial and Economic Forum, Vienna, Austria; 10-11 November, 2004
- Farris A (2012). Oil. Energy BC, May 2012. www.energybc.ca/profiles/oil.html. Accessed 31 August, 2016.
- Kleinhenz J, Smith R (2011). Ohio's natural gas and Crude Oil Exploration and Production Industry and the Emerging Utica Gas Formation: Economic Impact Study. Ohio Oil & Gas Energy Education Program, September 2011.
- Hamed Sahebonar, Ali Taheri Fard, and Fazel M. Farimani, Economic Analysis of New Iranian Petroleum Contract (IPC): The Case of Caspian Sea fields, p. 1. Available at: <https://www.iaee.org/en/publications/proceedingsabstractpdf.aspx?id=13834>
- Farzam Ardalan, Nejad Ali Almasi, and Mansour Atasheneh, Effects of contractor and employer's obligations in buy back contracts: case study of oil exporting country, The International Journal of Entrepreneurship and Sustainability Issues, Volume 5 Number 2, 2017, p. 347. Available at: https://hal.archives-ouvertes.fr/hal-01706887/file/Ardalan_Effects_of_contractor_and_employers_obligations_in_buy_back_contracts_case_study_of_oil_exporting_country.pdf
- <http://ayaronline.ir>